



دکتر پولاک  
بنیانگذار  
پزشکی نوین  
در ایران

دکتر احمد هاشمیان



من در سال ۱۸۵۲ (۱۲۶۹ ق.) برای اولین بار با اثر هنرمایی کردم  
[۱] اینها هیچ دچار تعجب نشدند و دقت نظرشان جلب نشد. (۱۵)  
این خبر حتی در شماره ۹۹ روزنامه وقایع اتفاقیه به تاریخ پنجشنبه ۱۲  
ربیع الاول ۱۲۶۹ ق. درج گردید و چنین آمد:

در روز دوشنبه این هفته حکیم پولاک معلم باتفاق حکیم روس و  
موسو فکانه معلم دواسازی بجهت بیرون آوردن سنگ مثانه در محله  
سنگنج شخصی را به داروی بیهوشی که در فرانسه اتر گویند [۱]  
مدهوش ساخته و دستهای او را بسته محکم و حکیم پولاک میل  
کنی که بجهت در آوردن سنگ است [۱] انداخته و آنچه سعی کرد  
سنگ مثانه از غایت یزگی نیامد بعد شکاف او را بیشتر نموده و  
گاز انبر انداخته بقوت تمام کشید [۱] باز بیرون نیامد [۱] پس بدست  
حکیم روس داده او نیز آنچه قوت بکار برد اثری متمشی نشد و  
زیاده از یک من خون جاری شده بود پس حکیم پولاک گاز را  
گرفته بقوت هر چه تمامتر سنگ را بیرون آورده و بر بالای زخم  
پنجه بسته [۱] خون ایستاد و مریض را بیهوش آورده و رفع مرض از  
او گردید... لیکن چنین سنگی در هیچکس دیده نشده [۱] بقدر بیضه  
غاز بود و در وزن دو سیر (۱۶)

دکتر پولاک نخستین پزشکی است که اولین کالبد شکافی را به شیوه  
امروزی در ایران انجام داد. این عمل بعد از مرگ همکار وی، ساتی (۱۷)  
صورت پذیرفت. او که در ۶ ربیع الاول ۱۲۷۰ ه. ق. (۱۸۵۴ م.) به طور ناگهانی  
درگذشت و خبر فوتش برسو صدای فراوانی را با خود در ایران به همراه داشت،  
از دکتر پولاک درخواست گردید که برای رفع ابهامات ناشی از مرگ وی این  
کالبد شکافی را انجام دهد و بدین ترتیب بود که او نیز چنین کرد.  
دکتر پولاک در بخش دیگری از کتاب خود به چگونگی انجام و آموزش  
تشریح توسط خود اشاره داشته و می نویسد:

کتاب درس تشریح من فقط مشتمل بر مبادی این علم بود. از این  
گذشته پرداختن اصولی و عمقی به این رشته هم به نظر من بی فایده  
می آمد زیرا پیش دادرسهای موجود مذهبی مرا از کالبد شکافی  
حتی در مورد جنایتکاران منع می کردند. فقط یک بار در حین  
اعدامهای دسته جمعی بای ما که سوء قصدی به جان شاه کرده  
بودند از من تقاضا شد که اجساد آنان را تشریح کنم تا از این طریق  
حتی پس از مرگ هم مورد تنگ حرمت قرار بگیرند. اما من هیچ  
نمی خواستم که وسیله انتقام قرار بگیرم و نفرت تمام این فرقه را  
به خود جلب کنم. بدین صورت بود که به هنگام تدریس از کالبد  
حیوانات و تصاویر و وسایل دیگر سود می جستم. (۱۸)

روزنامه وقایع اتفاقیه در بخش دیگری از مطالب خود در شماره ۱۳۹  
آن به تاریخ ۲۵ ذیحجه ۱۲۶۹ ه. ق. به یکی دیگر از اقدامات دکتر پولاک  
پرداخته و می نویسد:

از جمله کارهای خیر که در راه انداختن مدرسه دارالفنون و آوردن  
معلمین از فرنگستان فواید آن غاید عامه خلق گردیده در کارهای  
عالیجاه دکتر پولاک معلم علم طب است [۱] بعد از رفع ناخوشی  
ویا که مدرسه دارالفنون دایر گردیده [۱] مشارالیه سه سنگ مثانه  
بیرون آورده و در تعلیم شاگردان بمحض تحقیق علمی اکتفا  
نمی کند، بلکه بعمل پدی رفع هر گونه مرض را حالی و خاطر

نشان می نماید و از ماه محرم پارسال تا حال که یک سال است  
بیست و سه سنگ مثانه بیرون آورده که بیست نفر آنها ذکور و سه  
نفر اناث بوده اند و از همه اینها یک نفر تلف شده است [۱] الحق  
عالیجاه مشارالیه در کار خود بسیار قابل و ماهر است. (۱۹)

در ابتدا، محمدحسن خان قاجار کار ترجمه دروس دکتر پولاک را از  
زیان فرانسه به فارسی برعهده داشت تا اینکه، خود پس از مدتی توانست  
نیاز خویش را به مترجم برطرف سازد. بعلاوه، وی پس از مرگ دکتر کلوکه  
و پیش از استخدام دکتر طولوزان در سال ۱۲۷۲ ه. ق. به عنوان پزشک  
مخصوص ناصرالدین شاه انتخاب گردید. این خبر به مانند دیگر اخبار دربار  
در روزنامه وقایع اتفاقیه درج گردید و در ۴ ربیع الاول همان سال در این  
باره چنین آمد:

چون در این اوقات حکیم کلوله فرانسه که در دربار همایون منصب  
حکیم باشیگری داشت [۱] اوقات یافت و رجوع این منصب جلیل  
بعهده شخصی که شایسته و قابل باشد [۱] لازم بود لهذا از اطیای  
فرنگستان عالیجاه حکیم پولاک که به ذکاوت و فطانت و حذقت  
و مهارت در طب و جراحی مشهور و معروف و چند سال است که  
درین دولت علیه سمت نوکری دارد و در تعلیم شاگردان دارالفنون  
و معالجات امراض مراتب جودت از من او قابلیت او مشهود خاطر  
اقدس همایون و ملحوظ نظر اولیای دولت ابد مقرون گردیده درین  
روزها بمنصب حکیم باشیگری حضور همایون برقرار شده [۱]  
یکقطعه کمر الماس و یکطاقه شال کشمیری اعلی از جانب  
سنی الجوانب ملوکانه باو خلعت مرحمت شده [۱] فرمان مهر لمعان  
مبارک و ریاب منصب او شرف صدور یافته و هر روزه در سر نهار  
حضور همایون حسب الامر حضور بهم رسانیده و خواهد  
رسانید. (۲۰)

وی در طی سالهای ۱۲۷۲ تا ۱۲۷۷ ه. ق. (۱۸۵۵-۱۸۶۰ م.) به عنوان پزشک  
مخصوص ناصرالدین شاه در خدمت او بود و در بعضی اوقات نیز به وی  
زبان فرانسه می آموخت. او در کتاب خود درباره چگونگی فراگیری این  
زبان توسط شاه چنین می آورد:

این وظیفه بمن محول شده بود که بعد از ظهرها به شاه زبان فرانسه  
و تاریخ و جغرافیا تعلیم بدهم. وی که از حافظه خوبی برخوردار  
بود کم هم پیشرفت نمی کرد و چون به موفقیت خود مغرور بود  
روزی از من پرسید من بهتر از تو فرانسه صحبت می کنم. مگر  
نیست؟ من بلافاصله به سبک درباریان گفتم «حتماً هر کلمه شاه  
یک کرور می ارزد» اما حرف من منت است... (۲۱)

در همین رابطه، اعتمادالسلطنه در کتاب خود می نویسد:

پانزده سال است که من درس فرانسه می گویم و ده سال قبل از  
من مستبدالملک و پیش از او حکیم کلوله و در زمان ولیعهدی و  
ایالت تبریز به جمع دیگر درس داده بودند. ماشاءالله از شدت کار  
یا پریشانی خیال هیچ فرانسه نمی دانند زیرا که مثل سایر کارها از  
راه اصولش بر نمی آیند. تصور می فرمایند تعلیم و تعلم مشابه  
سلطنت مستقل ایران است که به بوالهوسی می توان تحصیل کرد  
لا والله، درس چیز دیگر است... (۲۲)

یکی از افتخارات بزرگ دکتر پولاک، در موفقیتهای عمده شاگردان وی

که اقل پایه و اساسی برای تربیت شاگردان در رشته های طب و علوم طبیعی در ایران گذاشته و تحقیق و تتبع آزادانه را در بین آنها رواج داده ام. باشد که در آینده از این جوانان ما ثمرهای نیکویی بیار آید. (۲۲)

در مجموع، دکتر پولاک به مدت ۹ سال به عنوان معلم و پزشک مخصوص ناصرالدین شاه در ایران خدمت کرد. وی طی این سالها وارد هیچ گروه و دسته ای نشد و به دور از سروصداهای سیاسی به کارهای علمی و پزشکی خود ادامه داد. به همین جهت، به لحاظ اقتصادی دارای مال و ثروتی نگردید. وی در واقع، نخستین استاد پزشکی در تاریخ ایران است که بطور اصولی، دانش پزشکی اروپایی و امروزی را در آن به اجرا درآورد. از اینرو، پزشکی (طب) سنتی بتدریج از رونق افتاد و میل افراد به فراگیری طب جدید در مدرسه دارالفنون فزونی یافت و چه بسا که در صورت توانایی مالی یا نفوذ در دستگاه حاکمه فرزندان خود را برای این منظور به اروپا فرستادند.

دکتر پولاک نخستین دانشکده پزشکی را در ایران بنیانگذاری کرد. وی در سال ۱۸۶۰ به اطریش بازگشت. چند سال بعد، در سال ۱۸۸۲ در طی سفری تحقیقاتی به ایران آمد تا شاهد نتایج کارهای خود در دارالفنون باشد. در این سفر دو پژوهشگر دیگر به نامهای پشتر (۲۵) و ونر (۲۶) وی را همراهی می کردند. وی در این سفر بیشتر به تحقیق گیاه شناسی در نواحی کوههای الوند پرداخت. با این وجود، از کارها و نتایج فعالیت او در نزد ناصرالدین شاه و نیز از طرف شاگردان سابقش قدردانی شد.

دکتر پولاک پس از بازگشت به کشورش، در سال ۱۸۸۵ یک هیأت تحقیقاتی را با هزینه خود به ایران می فرستد. این گروه شامل دو استاد معدن شناس به نام رودلر (۲۷) و کناپ (۲۸) بود که با هدف جمع آوری سنگهای معدنی و فسیل در ایران به کشور آمدند. در حال حاضر، نتیجه تحقیقات آنها در موزه علوم طبیعی شهر وین اطریش موجود بوده و برای بازدید علاقمندان عرضه می شود.

دکتر پولاک در سال ۱۸۶۰ به کشورش بازگشت و در بیمارستان شهر وین و سپس، در آسایشگاه شهر اشیل (۲۹) به کار مشغول شد. او خاطرات اقامت خود را در ایران در سال ۱۸۶۵ منتشر ساخت. وی در این کتاب نتایج کار خود را در ایران چنین بیان می کند:

خوب دیگر با وجود این همه رادع و مانع برطرف نشدنی حاصل اقدامات و کوششهای ما سخت کمتر از آنچه بود که خود قصد و نیت انجام آن را داشتیم؛ علی رظم این همه می توانیم ادعا کنیم بذری که به دست ما پاشیده شد بر زمینی بایر و شوره زار افکنده نشد و ما یا بحث سرفرازی وطن خود شدیم، هر چند که این وطن به اصرار و ایام [؟] ما را به دست فراموشی سپرده بود. در تمام طول این مدت گامی از طرف هیچ یک از اعضای این هیأت برداشته نشد که باعث شرمساری ما و وطن باشد [؟] و هرگز پیش از ما مریانی در ایران نبوده اند که با این درجه از سعی و تلاش وظایف خود را انجام داده باشند.

دولت ایران به تعهداتی که در قبال ما داشت کلمه به کلمه عمل کرد، ولی البته بسیار از آن قاصله داشت تا وظایفی را که در برابر



بود که پس از به پایان رسیدن تحصیلات آنها در دارالفنون، به فرانسه اعزام شده و در آنجا به ادامه تحصیل پرداختند. وی در کتاب خود به این موضوع اشاره داشته و می نویسد:

پس از چهار سال، سه تن از شاگردان من که وقت خود را به آموختن زبان فرانسوی نیز مصروف کرده بودند و چند سال بعد چهار تن دیگر برای کارآموزی کامل به پاریس گسیل شدند. گروه نخستین در سالهای ۱۸۶۰ و ۱۸۶۱ در دانشکده طب پاریس به دریافت دیپلم دکتری خود نائل شدند؛ یکی از آنها به نام میرزا حسین در آنجا رساله ای نوشت که به من اهدا شده است تحت عنوان: «دریارهٔ معالجه تب و نوبه به کمک اسید ارسنیک بر مبنای تجربیات مکتسب در بیمارستان تهران» و این اثری است که در آن توضیحات قابل توجهی درباره این روش معالجه بدست داده شده. ولی این بیشتر از همه جالب توجه می کند که نویسنده، این طرز معالجه را درباره شخص خود آزموده و مطالعه کرده است. دو تن دیگر نیز رساله های خوبی تألیف کردند (۲۳) درباره کوشش و استعداد اینها هنگامی که در پاریس حضور داشتم برفسورها از هیچ تمجیدی خودداری نورزیدند. بدین طریق می توانم همواره خرسند باشم

der K.K. Geographischen Gesellschaft, Wien 1861, S. 40-46.  
 Beitrag zu den agrarischen Verhältnissen in Persien, in: Mitteilungen der  
 K.K. Geographischen Gesellschaft, Wien 1862, S. 107-143.  
 Medizinische Schule und Splitter in Tehran, in Wiener Medizinische  
 Wochenschrift, Vol. 12, 12. April 1862, No. 15, S. 225-236.  
 Prostitution in Persien, in: Wiener Medizinische Wochenschrift Nr. 32 vom  
 10. August 1861, S. 515-517, Nr. 35 vom 31. August 1861, S. 627-629.  
 Das Postwesen in Persien, in: Oesterreichische Monatsschrift für den  
 Orient, Wien, Vol. 1, Nr. 12/1865, S. 186-188.  
 Persien. Das Land und seine Bewohner. Ethnographische Schilderungen,  
 Teil I und II, Wien 1865.

### پی نوشت ها:

1. دکتر یاکوب پولاک (Dr. Jakob Eduard Polak)

دکتر یاکوب پولاک به نام پولاک، نسواری در ایران و تاریخ آن معروف بود. واژه  
 نمش در زبان روسی به معنی بیگانه است و روسها آن را به آلمانها و اطریشها  
 نسبت می دادند. در زبان فارسی این کلمه (نسواری) فقط به معنی اطریش می باشد  
 و به همین علت، به دکتر پولاک که تبعه اطریش بود، دکتر پولاک نسواری گفته  
 می شد.

- ۲ - Gross Morzin.
- ۳ - Boetman.
- ۴ - Ehas.
- ۵ - Wien.
- ۶ - Kiobok.
- ۸ - Maehren.

۹. آرشیو اسناد وزارت امور خارجه.

۱. سفرنامه دکتر پولاک، پیشین، ص ۱۰۳.
۱۰. از ۷ معلمی که در اطریش به استخدام دولت ایران درآمدند آنگاه از آنها به نامهای  
 گومتز (Gumones) و نمبرو (Nemro) پیش از سایرین به ایران رسیدند و تا آخر دیگ  
 همزمان در ۲۴ نوامبر ۱۸۵۱م (۲۷ محرم ۱۲۶۸ ه. ق.) به تهران وارد شدند.  
 ۱۱. دارالفنون که بعد از کوتاه شدن سایه امیرکبیر از سر مملکت عموماً از سر  
 دارالفنون خصوصاً با وجود بدگمانی که شاه از این مؤسسه علمی حاصل نموده  
 و توجهی که دولتیان به نحو نمودن تمام آثاری که از امیرکبیر باقی مانده اند  
 می باید در الفنون بکلی از میان رفته باشد ولی بقوله ذوالسبب این مؤسسه صوزه  
 بر هم نمی خورد یکی آنکه شاه از خارجه ها ملاحظه دارد و نمی خواهد با کسی تواند  
 معلمین خارجی را که همه فرار داد با دولت دارند بدون یک عذر موجه جواب  
 بدهد و دیگر آنکه اعیان و اشراف مملکت پی برده اند که تحصیل اولاد آنها در  
 دارالفنون بهتر و باصرفه تر است از مکتبخانه های خصوصی که در حلقه های خود  
 داشته اند و راضی نمی شوند مؤسسه متخل کرده تا اینست که صورتش باقی  
 می ماند بی آنکه باقی ماندن معنای آن رعایت شده باشد.  
 ۱۲. پیشین، ص ۶۹.
۱۳. پیشین.
۱۴. Forchalt.
۱۵. پیشین.
۱۶. روزنامه وقایع اتفاقیه، ۱۲ ربیع الاول ۱۲۶۹ ه. ق. شماره ۸۹ ص ۳.
۱۷. Zeit.
۱۸. سفرنامه دکتر پولاک، پیشین، ص ۲۲۱.
۱۹. روزنامه وقایع اتفاقیه، ۲۵ ذیحجه ۱۲۶۹ ه. ق. شماره ۱۳۹ ص ۳.
۲۰. پیشین، ۴ ربیع الاول، ۱۲۶۲ ه. ق. ص ۲.
۲۱. سفرنامه دکتر پولاک، پیشین، ص ۲۰۶.
۲۲. خاطرات اعتمادالسلطنه، پیشین، ص ۷۱.

معلمین و مهمانان یک کشور دوست بر ذمه داشت از هر نظر انجام  
 دهد ما متقابلاً بدون مهر و کین از یکدیگر گسستیم (۳۰)  
 سرانجام، دکتر پولاک در سن ۷۲ سالگی در ۱۸ اکتبر ۱۸۹۱ به علت ضعف  
 و کهنسنت در وین اطریش درگذشت. وی تا قبل از مرگش به همراه  
 همسرش که گویا به زبانهای فارسی و عربی هم آشنایی داشت در وین  
 زندگی می کرد و بر اساس تحقیقات بعمل آمده از سوی نگارنده، مشخص  
 گردید که از آن فرزندان یا بازمانده ای تا به هنگام فوتش باقی نمانده است.  
 از دکتر پولاک شریات زیادی در مجلات پزشکی و غیر پزشکی آلمانی  
 زمان به چاپ رسیده که همگی آنها توسط نگارنده گردآوری شده است تا  
 در آیه نزدیک نسبت به چاپ آن اقدام گردد.

در کتابنامه علوم ایران، تهیه و تنظیم غلامحسین صدری افشار از  
 انتشارات مرکز مدارک علمی، مؤسسه تحقیقات و برنامه ریزی علمی و  
 آموزشی، تهران، ۱۳۵۱ و فهرست مشترک کتابخانه های ایران آثار زیر از  
 مؤلفات دکتر پولاک به ثبت رسیده است.

۱. رساله در معالجات و تدابیر امراض نوبه و اسهال و مطبقه، تهران،  
 ۱۲۶۹ قمری.
۲. علاج الاسقام ترجمه محمدحسین افشار، تهران، ۱۲۷۳ قمری.
۳. کحالی ترجمه محمدحسین افشار، تهران.
۴. پانولوژی زبان، ترجمه ناشناس، نسخه خطی دانشگاه ۲۶۰۳/۱ مورخ  
 ۱۲۷۷ قمری.
۵. سمومیات و تریاق ترجمه ناشناس، نسخه دانشگاه ۱۵۲۷/۲ مورخ  
 ۱۳۰۴ قمری.
۶. تشریح بدن انسان، ترجمه محمدحسین افشار، تهران (پی ناشر)، ۱۲۷۰  
 ه. ق. (۱۳۳۳ شمسی)، ۳۷۵ صفحه.
۷. کتاب جراحی مشتمل بر دو جلد و یک رساله در کحالی، تهران،  
 کارخانه رضاقلی ناظم مدرسه دارالفنون، ۱۲۷۳ قمری (۱۳۳۶ شمسی).
۸. جلاء العیون، نسخه خطی دانشکده پزشکی، شماره ۷۹ مورخ ۱۲۸۷  
 قمری، چاپ تهران، مورخ ۱۳۰۰ قمری در ۲۶۸ صفحه.
۹. زیاده الحکمه ترجمه و نگارش علیقلی بن محمد اسماعیل حکیم الملک،  
 نسخه خطی شیراز، مورخ ۱۲۹۸ قمری و نسخه خطی کتابخانه ملک به شماره  
 ۶۱۹۳/۳ و نسخه خطی دانشگاه به شماره ۱۵۴۷/۱، چاپ تهران، ۱۲۷۳ قمری،  
 پیشین در ۹۵ صفحه، نسخه دیگری از همین کتاب ترجمه مصطفی اصفهانی،  
 چاپ تهران، ۱۲۸۰ ه. ق. ۲۵۷ صفحه.
۱۰. وراثیه ترجمه و تحریر علیقلی جدید الاسلام در ۱۲۶۹ قمری، نسخه  
 خطی کتابخانه ملی ایران ف ۳۴۹ و نسخه اصل ف ۳۶۹.
۱۱. بیست باب در تشریح، ترجمه محمدحسین بن میرزا بزرگ تهرانی،  
 نسخه کتابخانه ملی تهران ف ۲۱۳ مورخ ۱۲۶۹ قمری چایی تحت عنوان  
 تشریح بدن انسان ذیل شماره ۶ ذکر شد که همان کتاب مذکور در متن  
 است. (۳۱)

همچنین، بخشی از مقالات وی که در خارج کشور به چاپ رسیده به  
 شرح زیر است.  
 Jakob eduard, Ueber die Communicationsmittel, die Sicherheit des  
 Eigentums und der Reisenden und über Asyla in Persien, in: Mitteilungen

234.  
 Pollax Jacobus. Disertatus. e Geoplinopia natus,  
 1818. helig. vernalis, ubi dicitur studia philo.  
 bica Praga. medica pader. ibidem, partim Vienna; ubi  
 et examina rigorosum modicum:

Primum	Die	Secundum
in 10 <sup>to</sup> Decembri 1848.	2 <sup>o</sup> Aprilis 1848.	calculi.
Sat bene	Sat bene p. Mg.	
Sat bene Endothelium	Sat bene Kautschuk	
Sat bene Hyd.	Sufficiens Pannum	
Sat bene Geomorph	Sat bene Trichium	
Sat bene Trichium	Sat bene Pannum	
Sat bene Trichium	Sat bene Trichium	
Sat bene Trichium	Sufficiens etc.	

Thesis publice disputavit 8. 9 Maji 1844.  
 Superi. inaugural.  
 De usu Alkaliorum cum calculi.

- Bene
- Bene Pannum
  - Bene Kautschuk
  - Bene Pannum
  - Bene Trichium

22 - De la Polyurie, par le Dr Mirza Reza ben Mokim (Paris 1860); du diagnostique et du traitement des hydroptises, entiaises par le Dr Mirza Ali Naghi (1861);  
 23 - سرنامه دکتر یولاک، پیشین، صص 214، 215

- 20 - Th. Pichler.
- 21 - F. Waehner.
- 22 - Rodler.
- 23 - Koepf.
- 24 - Isst.

25 - سرنامه دکتر یولاک، پیشین، صص 214، 215  
 26 - سرنامه دکتر یولاک، صص 214، 215

Thesis (Pollax) subviti et sig. pro Doctor  
 Chir. primum 2. 4. Maji 1844.  
 cum calculi.

- Sat bene
- Sat bene Trichium
  - Sat bene Trichium
  - Sat bene Trichium
  - Sat bene Trichium

Thesis subviti et sig. publicum 2. 1. Decembri 1844  
 cum calculi.

- Sufficiens
- Sufficiens
  - Sufficiens
  - Sufficiens
  - Sufficiens

- Sufficiens
- Sufficiens
- Sufficiens
- Sufficiens
- Sufficiens